



درس ۱

دعا تماس تلفنی شما با خداوند است و ایمان قلبی تماس تلفنی خداوند با شماست

دعا نوعی تقاضای عاجزانه از پروردگار است. یعنی درخواست چیزهای خوب در اولین فرصت از خداوند. در واقع این وجدان ماست که می‌فهمد خداوند دعای ما را مستجاب کرده (نه چشم و گوش سر).

خانمی بود که مجلات مذهبی با موضوعات معنوی گران‌قیمتی می‌خرید تا در آن زمینه آگاهی خود را بالا ببرد. در واقع کسی نبود که به او بگوید و یا او را مجبور کند که چنین چیزهایی را بخرد، بلکه ضمیر ناخودآگاه او چنین درخواستی داشت. به نظر من یکی از راههای بالا بردن میزان بینش و بصیرت فردی این است که هر شب قبل از خواب با خود بگوییم:

«فردا صبح معلوم می‌شود که چگونه باید از فرصت دوباره برای زیستن استفاده کنم»

با این وجود قبل از اینکه صبح بشود، ایده‌های تازه به ذهن ما می‌رسند و فردای ما را می‌سازند. به همین خاطر است که می‌گوییم دعا تماس تلفنی شما با خداوند و ایمان تماس تلفنی او با شماست.

حال باید دید که ایمان از کجا سرچشمه می‌گیرد. ایمان هر کسی درون ضمیر ناخودآگاه با وجدان او جای گرفته است. برخی دیگر می‌گویند



ایمان مطلق بخشی از وجود خداوند است. حالا شاید از خود بپرسید که ضمیر ناخودآگاه یا وجدان چیست. چیزی که شما قلباً و عمیقاً درون خود احساس می‌کنید از ضمیر یا وجدان شما بیرون می‌آید. برخی دیگر چنین احساسات درونی را روح ایمان معرفی می‌کنند و می‌گویند:

لحظه‌ای بایست تا قدرت روح ایمان درونت را ببینی

با این وجود ما اگر بخواهیم به دنبال چیزی درون خود برویم، به چیز دیگری دست پیدا می‌کنیم. مثلاً از ضمیر ناخودآگاه شروع می‌کنیم، اما به ایمان و جنبه‌های مختلف آن می‌رسیم. ما باید درون خود را زیر و رو کنیم و هر آنچه داریم بیرون بریزیم. پس باید آرام باشیم و آنچه که درون خود داریم را بپذیریم و باور کنیم.

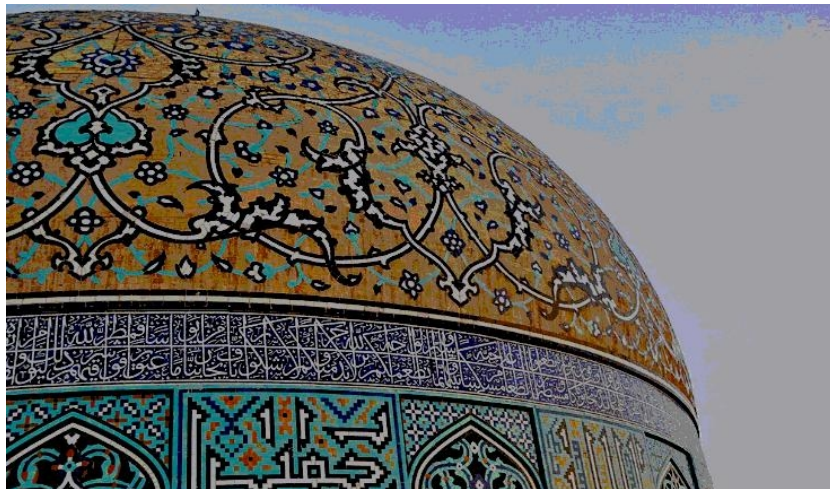
بنابراین اصلاً نیازی به تلاش‌های سخت، ترس، نگرانی و یا هر چیزی که اذیت‌مان کند، نداریم. در حقیقت ما باید تمام بدی‌ها را از خود دور کنیم. باید لحظه‌ای تأمل کنیم و باوقار و متانت همیشگی خود، قدرت درون‌مان را حفظ کنیم. زیرا عصبانیت و بی‌میلی بینش ما را ضعیف می‌کنند و روی دیدگاه‌هایمان تأثیر می‌گذارند.

برای مثال شما یکی از دوستانتان را در خیابان می‌بینید، با هیجان از او می‌پرسید: چه هوای خوب و دل‌انگیزی! او جواب می‌دهد: بله، اما به نظر می‌رسد که نگاه شما به امروز خیلی کسل‌کننده است! شما دوباره با همان حس شادابی‌تان می‌گویید: اوه، نه من هرگز چنین حس خوبی نداشته‌ام. او دوباره جواب می‌دهد: احتمالاً شما همیشه نظرات منفی و بدی داشته‌اید و کلاه نقابدار بدبینی را تازه امروز از روی سرتان برداشته‌اید. شما با افکار پریشان‌تازان بلافاصله به سمت خانه به راه می‌افتید تا هرچه زودتر خود را جلوی آینه ببینید. احساس بدی در دل



دارید و نمی‌توانید آنچه را که از دوستان شنیده‌اید، هضم کنید. با ناامیدی درون خود را جستجو می‌کنید تا به چیزی برسید. ابتدا احساس می‌کنید که باید آنچه از دوستان شنیده‌اید را فراموش کنید و او را ببخشید و برای اینکه بیشتر متوجه حرفهای او شوید، منتظر موقعیت بعدی که او را دوباره ملاقات کنید، بمانید. اگرچه به ظاهر موضوع را فراموش کرده‌اید، اما هنوز ذهن‌تان درگیر آن است. چند روز بعد که دوباره به او می‌گویید: چه روز دوست داشتی و خوبی! او دوباره در جواب شما می‌گوید: چه نظر خوب و جالبی! این کلاه زیبای خوش‌بینی را از کجا خریده‌ای؟ چقدر به تو می‌آید!

همانطور که متوجه شده‌اید ما با حفظ متانت و وقار خود می‌توانیم در برابر نظرات دیگران از خود واکنش نشان دهیم. کاملاً مشخص است که با حفظ آرامش می‌توان کلاه خوش‌بینی را روی سر گذاشت و بدون هیچ دغدغه‌ای از زندگی لذت بُرد.



بازی زندگی یک بازی هدفمند است. هرچه را که به آن بدهی، به همان شکل به خودت باز می‌گردد. حضرت مسیح در این باره فرموده: با



آزردن دیگران ابتدا خودت را می‌آزاری. همه ما درون خود نیروهای مرموزی داریم و آنها را به شکل کلمات بر زبان می‌آوریم و یا در ذهن‌مان به افکار تبدیل می‌کنیم. اگر کسی بخواهد به مسائل ذهنی و افکار خود بیشتر توجه کند، انعکاس افکار و ذهنیات خود را می‌بیند. هرچه بیشتر بدانیم مسئولیت سنگین‌تری خواهیم داشت. بنابراین باید درس‌های زندگی را خوب یاد بگیریم و تجربیات فراوانی کسب کنیم.

حتی نسبت به دشمنانمان نیز باید نیت خوبی داشته باشیم تا بتوانیم از تأثیرات آنها روی خود به خوبی محافظت کنیم. دشمنان ما همان نتایج افکار موجود در ضمیر ناخودآگاه‌مان هستند. اگر ما از آنها متنفر باشیم، در کوتاه‌ترین زمان نیز از خودمان متنفر می‌شویم و از همه چیز و همه کس می‌ترسیم. هنگامی که کسی رفتار ناعادلانه‌ای با ما دارد، روح ما را غرق خشم و غضب می‌کند. به طوری که ما نمی‌توانیم دوباره او را ببخشیم و با او مهربان باشیم. زمان می‌گذرد و دوباره در موقعیتی دیگر، شخص دیگر چنین رفتار بدی را با ما تکرار می‌کند. در واقع حقیقت اصلاً اینطور نیست. این افکار و نظرات منفی شما هستند که در ضمیر ناخودآگاه شما ثبت شده‌اند و دوباره تکرار می‌شوند. زیرا ضمیر شما بدبینی و بی‌انصافی را به بهترین شکل برای خود تعریف و در خود حفظ کرده است. بنابراین فقط یک راه برای خنثی کردن چنین ذهنیتی وجود دارد. باید نسبت به تمام مسائلی که از آنها نفرت داریم خوش‌بین و مثبت‌اندیش باشیم و با خود بگوییم: خوش‌بینی من همانند قلعه‌ای محکم مرا احاطه کرده و از من محافظت می‌کند. امروز تمام دشمنانم را به چشم دوستانم نگاه می‌کنم. تمام ناهماهنگی‌ها را با هم



هماهنگ می‌کنم. تمام بی‌عدالتی‌ها را به سراسر عدل و انصاف تبدیل می‌کنم.
 اگر شما نیز چنین جملاتی را با خود زمزمه کنید معجزه انصاف و عدالت داشتن نسبت به دیگران را می‌بینید.
 همانطور که کیمیاگران فلزات قدیمی و بی‌ارزش را به طلا تبدیل می‌کردند، شما نیز باید تمام بدی‌ها و پلیدی‌ها را به خوبی‌ها و پاکی‌ها تبدیل کنید.



بنابراین به شما می‌گویم، چیزی که در دعاهایتان از خداوند درخواست می‌کنید، حتماً بدست می‌آورید و او همیشه همراه و یاور شماست.

درس ۲

چگونه از نظر مالی تغییر کنیم

شکرگذاری باعث افزایش نعمات خداوند می‌شود، در حالی که کفر و ناسپاسی نعمات را از بین می‌برد.



دیدگاه مادی به پول و حقوق و سرمایه‌ها مربوط می‌شود که همگی پایان‌پذیرند. اما دیدگاه معنوی به دید شما به خداوندتان برمی‌گردد. بنابراین برای حفظ هستی و دارایی‌تان هرآنچه را که به خداوند باز می‌گردد از او طلب کنید. به یاد داشته باشید هنگامی که خداوند دری را به رویتان می‌بندد، در دیگری را برایتان باز می‌کند.

پول یکی از نشانه‌های آزادی است اما داشتن و نداشتن آن به مشیّت الهی باز می‌گردد. مشیّتی که هرگز قابل دیدن و لمس کردن نیست. پس هنگام درخواست از خداوند ابتدا باید از او بخواهیم که همیشه ما را در پناه خود نگه دارد و با مشیّت‌های غیر قابل تصورش زندگی‌مان را شاد گرداند.

برای نشان دادن ایمان‌تان هر کاری بکنید. زیرا ایمان بدون هیچ عملی، خالی از ارزش است. کیف تازه‌ای بخرید و با خود بگویید از این پس این کیف، کیف جادویی من خواهد بود. و من آن را با ایمان و اعتقاداتم پر می‌کنم. همچنین خودکار تازه‌ای بخرید و باز بگویید: با این خودکار جادویی ایمان و اعتقاداتم را روی برگه‌هایی می‌نویسم و در کیفم نگهداری می‌کنم. آنقدر صبر می‌کنم تا قلبم نیز مانند کیفم سرشار از ایمان شود.



چیزها نمی‌توانند شما را از آن خود کنند، اما شما می‌توانید صاحب آنها باشید. بنابراین ترسی برای از دست دادن‌شان نداشته باشید زیرا شما هرگز صاحب چیزی که از آن می‌ترسید، نمی‌شوید. و حتی اگر آن را به طور اتفاقی و تصادفی بدست آورید، در اندک زمانی از دست می‌دهید. برای مثال خانمی چند مراورید زیبا و گرانبه داشت. او هر روز با خود می‌گفت: من بالاخره این مراوریدها را می‌خورم. پس از مدتی آن خانم با وجود ثروت فراوانی که داشت، فقیر شد و تمام مراوریدها را فروخت تا بتواند با خرید غذا شکم خود را سیر کند.

کلمات و افکار قدرت رادیواکتیوی دارند و سریع جذب بدن می‌گردند. آنها یا باعث پیشرفت و ترقی شما می‌شوند یا باعث سرشکستگی و حقارت. پس بهتر است نعماتی که خدا به شما ارزانی داشته را هر روز بشمارید تا راهی برای سراریز شدن دیگر نعمات خداوند به رویتان باز شود. به آنچه که دارید قانع باشید و به خاطر آنها خدا را از صمیم قلب شکر کنید. خداوند بندگان را دوست می‌دارد که لحظه به لحظه او را شکر می‌کنند به یاد او هستند.

جملات زیر تأثیر بسیار خوبی روی شما می‌گذارند:



از اینکه خداوند بزرگترین نعمت در این دنیا - زندگی - را به من هدیه داده، شکرگزار هستم. او همه چیز را به بهترین شکل برایم آماده ساخته، قبل از اینکه کاری کنم و یا حرفی بزنم. حال از او درخواست می‌کنم که ایمان مرا قوی‌تر کند تا دلم به نورش روشن و گرم گردد.

مهم نیست که چقدر پول داریم، چون روزی تمام آنها را از دست می‌دهیم و چیزی جز ایمان قلبی برایمان باقی نمی‌ماند. در حقیقت سعادت و شقاوت ما ارتباطی به پولمان ندارد بلکه حاصل افکار و ذهنیت ما هستند. ما باید به جای تصورات غلط و نابه‌جای خود از خداوند بخواهیم که سرمایه‌های مادی را از ما بگیرد و به سرمایه‌های درونی‌مان بیفزاید. نه اینکه با خود بگوییم هیچ چیز برای فقیران زیبا نیست، حتی بهار. از خدا می‌خواهم که به طرز معجزه‌آسایی ثروت مرا زیاد کند.

گفته‌های فوق بدین معنا نیستند که ما پول و سرمایه‌های خود را بیهوده خرج کنیم و یا آنها را نادیده بگیریم، بلکه می‌توانیم از آنها در جهت افزایش ایمان درونی‌مان استفاده کنیم.

برای مثال، خانمی بود که به یکی از دوستانش صد دلار قرض داده بود اما پس از چند روز به شکل کاملاً مرموز صاحب چند هزار دلار شد. این هدیه خداوند به قرض دهندگان و دستگیران است.